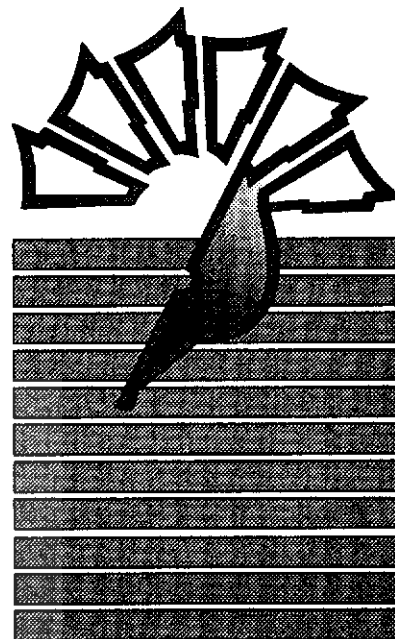


پایان داشت



گل بود به سبزه نیز آراسته شد!

داده نشود، دولت قادر به پرداخت حقوق ماهانه کارکنان خود نخواهد بود، و جالب‌تر اینکه، این دهل زمانی به صدا در می‌آید که کشور شرایط ویژه‌ای را تجربه می‌کند و برای جلوگیری و مقابله با خطرات احتمالی در شرق کشور، سرگرم انجام مانورهای نظامی در آن منطقه است و افزون بر این، اتحاد همسایه شمال غربی کشورمان با دشمن دیرینه اسلام در شرف تکوین است و در عین حال، نمایشگاه بین‌المللی تهران هم برپاست و ایران پذیرای بیش از ۷۰ هیات خارجی است. بدیهی است که پیامد اینگونه اعمال و واکنش‌های بی‌اعتنا به شرایط زمانی و اوضاع و احوال عمومی کشور، دانسته یا ندانسته چیزی نیست جز ریختن آب به آسیاب دشمن و دادن بهانه به دست بدخواهان و بدگویان این سرزمین. از اینرو بر مسوولان و کارگزاران حکومت و همه دست‌اندرکاران امور است که خود را از این‌گونه اعمال بر حذر دارند و با موقع‌شناسی و جامع‌نگری به تمامی ابعاد و پیامدهای اینگونه امور ببیندیشند.

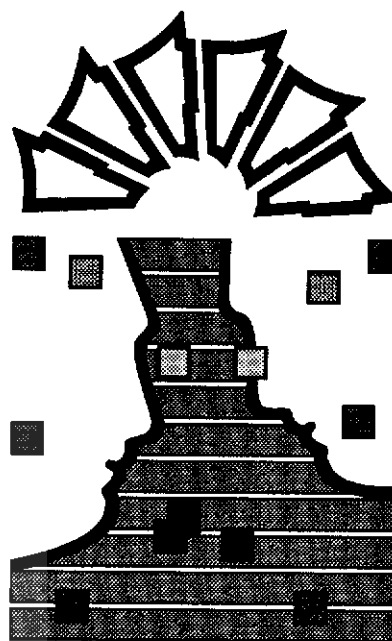
انشاء...!



کل کشور باشد. اما شگفت‌آور این‌که اکنون در حالیکه گفته می‌شود مطالعات جامع و همه‌جانبه‌ای برای ایران ۱۴۰۰ انجام پذیرفته است که گویا به تهیه و تدوین برنامه‌هایی ویژه نیز منجر شده است یا خواهد شد، و در حالی‌که مسوولان و کارگزاران نظام برنامه‌ریزی کشور، تهیه و تدوین همه‌جانبه و فراگیر سومین برنامه پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را تدارک می‌بینند، روشن نیست که چرا بودجه سالانه کشور باید به گونه‌ای تهیه و به تصویب رسانده شده باشد که با گذشت تنها شش ماه از سال، با بحران کمبود کسری روبرو شود و به دنبال آن، ریاست محترم سازمان برنامه و بودجه با آن شتابزدگی که همه شاهد بودیم، در مصاحبه با جراید کثیرالانتشار کشور مجبور به اعلام این واقعیت شود که خزانه کل کشور تهی شده و چنانچه تا پایان ماه اجازه استقراض یا چاپ اسکناس از سوی مجلس شورای اسلامی

بنا به مشهور عقلی و نقلی، با استناد به تاریخ عقاید و رویدادها و به طور کلی ادبیات اقتصادی، بیشتر برنامه‌ریزان اقتصادی - اجتماعی، به‌ویژه برنامه‌ریزان توسعه اقتصادی، بر این باورند که نسبت یا درصد احتمال خطا در پیش‌بینی‌های مربوط به برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی کم یا بیش با طول این برنامه‌ها رابطه‌ای نسبتاً مستقیم دارد، به این معنا که هر چه طول برنامه‌ها و پیش‌بینی‌ها بلند مدت‌تر باشد، به همان اندازه احتمال بروز خطا در پیش‌بینی‌ها و هدف‌گیری‌ها بیشتر خواهد بود. روشن است که عکس این باور نیز می‌تواند صادق باشد و به حکم منطقی باید هم چنین باشد. بنابراین، در میان انواع برنامه‌ها و پیش‌بینی‌های کوتاه مدت که به آنها برنامه‌های سالانه یا بودجه سالانه اطلاق می‌شود، یا برنامه‌های میان مدت که برای اجرا در طول ۳ و ۵ یا حداکثر ۷ سال تهیه می‌شوند و برنامه‌های بلند مدت که برای ۱۰ تا ۲۵ سال آرایه می‌شوند، کمترین احتمال خطا - در صورتی که وجود داشته باشد - باید متوجه برنامه‌های کوتاه مدت سالانه یا بودجه سالانه کل کشور و به بیان روشن‌تر، سند دخل و خرج سالانه

بحث و نظر



درباره

آیین نامه اجرایی تبصره ۳۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۷ کل کشور

راه کارهای کاربردی خصوصی سازی

دکتر امیر هوشنگ امینی

آخرین دقایق نیز به دست نگارنده رسید، مورد نقد و بررسی قرار دهیم -

به طور کلی، به نظر می‌رسد که برای تسهیل قضاوت خوانندگان دست اندرکار، درست‌تر آن باشد که قبل از نقد و بررسی مفاد آیین نامه مورد اشاره، افزون بر مرور متن تبصره ۳۵ قانون بودجه سال جاری، متن آیین نامه اجرایی مربوط را نیز مرور کنیم -

نخواهد بود. از این رو، وعده کردیم که آیین نامه اجرایی آن را که در جلسه ۱۳۷۷/۶/۱۱ و به پیشنهاد مشترک سازمان برنامه و بودجه و وزارت اقتصاد و دارایی، و با استناد به بند ه تبصره ۳۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۷ کشور از تصویب هیات وزیران گذشته و برای اجرا به کلیه مراجع ذیربط ابلاغ شده است و در

پیش از این در شماره مرداد ماه نامه اتاق بازرگانی عنوان شد که اجرای تبصره ۳۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۷ کل کشور که با هدف خصوصی سازی تهیه شده و به تصویب رسیده است، نه تنها راه به جایی نخواهد برد و گره گشای هیچ مشکلی نخواهد بود، بلکه در صورت اجرا، سرآغاز ایجاد کلاف سردرگم جدیدی خواهد شد که گشودن آن به آسانی میسر

● تبصره ۳۵

الف) در اجرای بند دوم اصل چهل و سوم قانون اساسی و تبصره‌های ۴۱ و ۴۵ قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و به منظور کاهش حجم تصدی دولت و تشویق سرمایه‌گذاری‌های بخش تعاونی (خصوصی) دولت موظف است تا قبل از تقدیم لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ کل کشور به مجلس شورای اسلامی، نسبت به تعیین تکلیف کلیه شرکت‌های بخش دولتی، از جمله شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی بند (و) تبصره ۲ این قانون از طریق انحلال، واگذاری و فروش سهام به بخش‌های خصوصی و تعاونی اقدام کند. آن دسته از شرکت‌هایی که در اجرای اصل چهل و چهارم قانون اساسی الزاماً بایستی در اختیار دولت باشند، از مشمول این تبصره مستثنی هستند.

ب) وجوه حاصل از فروش، واگذاری و انحلال شرکت‌هایی که سهام آن‌ها متعلق به دولت است (به نسبت سهام متعلق به دولت) بایستی به حساب درآمد عمومی موضوع ردیف ۳۹۰۸۵۰ منظور در قسمت سوم این قانون واریز شود و وجوه حاصل از فروش و واگذاری و انحلال شرکت‌هایی که سهام آن‌ها متعلق به شرکت‌های دولتی و سازمان‌های انتفاعی وابسته به دولت است (به نسبت سهام متعلق به آن‌ها) پس از وضع مالیات بر عملکرد شرکت ذریطه، با اولویت، به مصرف هزینه‌های سرمایه‌ای و پرداخت بدهی‌های شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۳۲ قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۱ برسد.

به منظور اجرای مفاد این تبصره کمیته‌ای به ریاست رئیس جمهور و با عضویت وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و رئیس دستگاه اجرایی ذریطه حسب مورد تشکیل می‌شود.

پ) وظایف این کمیته به شرح زیر تعیین شده است:

- ۱) تعیین تکلیف کلیه شرکت‌هایی که بایستی واگذار یا منحل شوند.
- ۲) تعیین سیاست‌ها و دستور العمل‌های مربوط به نحوه تعیین نرخ‌های پایه واگذاری شرکت‌ها.
- ۳) اخذ تصمیم در مورد واگذاری شرکت‌های موضوع این تبصره از طریق عرضه سهام یا قیمت اعلام شده در سازمان بورس اوراق بهادار یا مزایده.
- ۴) تدوین برنامه زمان بندی انحلال شرکت‌های

موضوع این تبصره.

۵) تصویب برنامه زمان بندی واگذاری شرکت‌هایی

که باید فروخته شوند، متناسب با قدرت جذب بازار.

۶) تهیه فهرست شرکت‌هایی که با ذکر دلیل باید دولتی باقی بمانند.

۷) تشکیل گروه‌های پیگیری و نظارت برای تحقق کامل مفاد این تبصره.

ت) قوانین و مقررات خاص و عام مغایر با این تبصره در سال ۱۳۷۷ لازم الاجراء نمی‌باشند و سازمان برنامه و بودجه هم موظف است که گزارش اجرای این تبصره را هر چهار ماه یکبار به کمیسیون‌های برنامه و بودجه، امور اقتصادی و دارایی و تعاون، صنایع و معادن و دیوان محاسبات و بودجه و امور مالی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

● آیین نامه اجرایی تبصره ۳۵ قانون بودجه امسال راهی نیست که به تغییر و بهبود ساخت اقتصاد کشور بینجامد.

ث) آیین نامه اجرایی این تبصره مشترکاتوسط سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه می‌شود و به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

به طوری که در بند ۶ تبصره مذکور ملاحظه می‌شود، سازمان برنامه و بودجه موظف بوده است که گزارش اجرای این تبصره را هر چهار ماه یک بار به کمیسیون‌های برنامه و بودجه، امور اقتصادی و دارایی و تعاون، صنایع و معادن ایران، محاسبات و بودجه و امور مالی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید و در بند ۷ تبصره نیز آمده است که آیین نامه اجرایی این تبصره مشترکاً توسط سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصاد و دارایی تهیه می‌شود و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید و ما اکنون متن آن را در زیر مرور می‌کنیم.

● آیین نامه اجرایی تبصره ۳۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۷ کل کشور

ماده ۱) تعاریف: در این آیین نامه عبارت‌های مشروح زیر دارای تعاریف مربوط می‌باشند:

الف) دستگاه واگذارنده: کلیه وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی، شرکت‌ها و سازمان‌های موضوع بند

۲) تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۷۷ کل کشور.

ب) کمیته: کمیته موضوع بند ۳ تبصره ۳۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۷ کل کشور.

پ) گروه‌های پیگیری و نظارت: گروه‌های موضوع جزء ۷ بند ۳ تبصره ۳۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۷ کل کشور.

ماده ۲) دستگاه‌های واگذارنده مکلفند در چهار چوب مفاد این آیین نامه در مورد واگذاری سهام شرکت‌ها و کارخانجات خود اقدام نمایند.

ماده ۳) به منظور تعیین تکلیف کلیه شرکت‌ها، دستگاه‌های واگذارنده مکلفند حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ این آیین نامه، نسبت به ارائه اطلاعات زیر در مورد کلیه شرکت‌های موضوع بند ۱ الف ماده ۱ این آیین نامه (شامل سرمایه‌گذاری مستقیم و غیر مستقیم به هر میزان) به دبیر خانه کمیته اقدام نمایند: ۱-۳) اعلام اسامی شرکت‌های قابل واگذاری به همراه پیشنهاد روش واگذاری و زمان بندی واگذاری. ۲-۳) اعلام اسامی شرکت‌هایی که باید منحل شوند و زمان بندی انحلال.

۳-۳) اعلام اسامی شرکت‌هایی که باید دولتی باقی بمانند با ذکر دلایل آن.

تبصره - دبیر خانه کمیته مکلف است اطلاعات ارائه شده از طرف دستگاه‌های واگذارنده موضوع این ماده را جمع بندی و برای بررسی و اتخاذ تصمیم به کمیته ارائه نماید. کمیته مکلف است ظرف حداکثر یک ماه پس از دریافت اطلاعات مذکور، نسبت به تصویب و ابلاغ فهرست شرکت‌های قابل واگذاری، شرکت‌های قابل انحلال و روش واگذاری آن‌ها به همراه برنامه زمان بندی لازم، هم چنین، ابلاغ فهرست شرکت‌هایی که باید دولتی باقی بمانند، اقدام کند.

ماده ۳) دستگاه‌های واگذارنده مکلفند گزارش عملکرد خود، متضمن امار و اطلاعات مورد نیاز را در چهارچوب تصمیمات و مصوباتی که از طرف کمیته ابلاغ می‌شود، مستمراً تهیه کنند و به دبیرخانه کمیته ارسال دارند. دبیرخانه کمیته مکلف است نتیجه اقدامات نهایی دستگاه‌های واگذارنده را به اطلاع کمیته برساند.

ماده ۴) در واحدهایی که سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی دارای سهام اصالتی می‌باشد، سهام مذکور همانند سایر سهام قابل واگذاری، بر اساس این آیین نامه واگذار خواهد شد.

تبصره ۱- سهام وکالتی موجود نزد سازمان مالی

● طرح مالکیت فراگیر، گامی به سوی اصلاح ساخت اقتصاد ملی است و افزون بر این، خصوصی سازی را نیز در بر خواهد داشت.

گسترش مالکیت واحدهای تولیدی از شمول این آیین نامه مستثناست.

تبصره ۲ - سهامی که توسط سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی از دستگاههای واگذارنده به قیمت میانگین قیمت اسمی و روز خریداری شده، از شمول این ماده مستثناست و سازمان مزبور مکلف است این نوع سهام را به کارگران واجد شرایط به قیمت میانگین قیمت اسمی و روز واگذار کند.

تبصره ۳ - هر یک از کارگران شاغل در واحدهای مورد واگذاری، در صورت تمایل می توانند با پرداخت ثمن معامله تامیزان سه میلیون ریال از سهام قابل واگذاری همان واحد را با اولویت و مستقیماً خریداری نمایند. دستورالعمل نحوه واگذاری و پرداخت قیمت توسط کمیته تعیین می شود.

ماده ۵) سیاستها و روش های اجرایی و دستورالعمل نحوه تعیین نرخ های پایه واگذاری شرکتها حداکثر ظرف یک ماه از تصویب این آیین نامه توسط کمیته ابلاغ خواهد شد.

ماده ۶) کلیه دستگاههای واگذارنده موظفند در تشکیل گروه های پیگیری و نظارت، که تحت نظر کمیته در دبیرخانه تشکیل می شود، همکاری نمایند. ماده ۷) درآمد حاصل از فروش، واگذاری و انحلال شرکت هایی که سهام آنها متعلق به دولت است (نسبت به سهام متعلق به دولت) باید به حساب درآمد عمومی موضوع ردیف ۳۹۰۸۵۰ قسمت سوم قانون بودجه سال ۱۳۷۷ کل کشور واریز شود.

ماده ۸) وجوه حاصل از فروش، واگذاری و انحلال شرکت هایی که سهام آنها متعلق به شرکت های دولتی و موسسات انتفاعی وابسته به دولت است (به نسبت سهام متعلق به آنها) باید حسب مورد در چهارچوب بودجه مصوب شرکت یا موسسه انتفاعی ذی ربط با اولویت به مصرف هزینه های سرمایه ای و پرداخت بدهی های شرکت های دولتی موضوع ماده ۳۲ قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۹ برسد.

ماده ۹) در اجرای بند "ج" تبصره ۳۵ مذکور، دبیرخانه کمیته در سازمان برنامه و بودجه مستقر

خواهد بود و دبیر اجرایی آن با پیشنهاد معاون رییس جمهور و رییس سازمان برنامه و بودجه و تصویب کمیته تعیین می شود.

ماده ۱۰) شرایط تعیین شده توسط دستگاه واگذارنده پس از تایید کمیته در آگهی فروش درج خواهد شد.

ماده ۱۱) به منظور فراهم آوردن موجبات اجرای این تبصره، کمیته می تواند حسب مورد نسبت به برقراری انواع حمایت های قانونی اقدام نماید.

ماده ۱۲) تامین اعتبارات مورد نیاز دبیرخانه کمیته توسط سازمان برنامه و بودجه صورت خواهد گرفت و پرداخت خواهد شد.

به نظر می رسد که با مطالعه و حتی مروری گذرا در متون تبصره ۳۵ و آیین نامه اجرایی مربوط به آن، دیگر نیازی به نقد و تحلیل ضرورت نداشته باشد، زیرا بر مصداق: "آنجا که عیان است، چه حاجت به بیان است" از خورشید روشنتر است که باور ناشی از حاکمیت تفکر اقتصاد دولتی بر ذهنیت انشاء کنندگان و تهیه کنندگان این آیین نامه مانع از آن بوده است که بتوان کوچکترین گامی را برای تغییر و بهبود ساخت اقتصاد کشور به پیش نهاد.

به هر تقدیر، استنباط نهایی از مرور این آیین نامه که با شتابزدگی، اما در عین حال، با تاخیری پنج ماهه و تکرار ماده سه آن با دو متن متفاوت به دستگاه های اجرایی ابلاغ شده است، آن که نه انشاء کنندگان و نه تایید کنندگان این آیین نامه، در پی تغییر و بهبود ساخت اقتصاد کشور نبوده اند، بلکه هدف کم یا بیش تثبیت تصدیات دولتی و اخذ مجوزی برای انحلال، واگذاری یا فروش برخی شرکتها و سرمایه های بجامانده از سرمایه های ملی می باشد. ولذا همانگونه که عنوان شد و در آیین نامه نیز به صراحت دیده می شود، در نظر است که تصدیات دولتی مشخص شوند و بر خلاف موازین، اموالی که متعلق به کلیه احاد ملت است، در واگذاری و فروش آنها به گروهی افراد و از جمله کارگران یا توجیهاات غیر قابل قبول اولویت قابل شوند که می تواند معایر یا برقراری عدالت اجتماعی مورد ادعا باشد. افزون بر این، دستگاه تازه ای نیز به دستگاه های دولتی اضافه شود، آن هم زیر نظر

دستگاهی که وظیفه ای کم یا بیش ستادی دارد. به هر تقدیر، همانگونه که بارها و بارها عنوان شد، یکی از تنها طرق دستیابی به زمینه یا بسترهای لازم برای تغییر و بهبود ساخت اقتصاد کشور، همانا اجرای طرح مالکیت فراگیر است که برای فقرزدایی، توسعه اقتصادی و ... توسط اتاق ایران تهیه و ارایه شده است، طرحی که نباید به هیچ وجه به عنوان طرحی برای خصوصی سازی تلقی شود، زیرا این طرح افزون بر تغییر و بهبود ساختار اقتصادی - اجتماعی، موجبات بهبود مدیریت، توزیع بهینه ثروت، کارآفرینی و ایجاد اشتغال را فراهم خواهد ساخت و خصوصی سازی را نیز در خود خواهد داشت و لذا برای اطلاع عموم جداگانه و به تفصیل درباره آن سخن خواهیم گفت.



نگاهی دیگر به طرح مالکیت فراگیر به عنوان ابزاری برای فقرزدایی، گسترش عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی

* این نوشته نگاهی دیگر است به طرح مالکیت فراگیر به عنوان ابزاری برای فقرزدایی، گسترش عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی که توسط اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران شعبه مشهد تهیه گردیده است

این عوامل تبلوری از ساختار نامطلوب تولید می‌باشد، خارج از این مساله که عوامل تولید در مالکیت بخش عمومی یا بخش خصوصی قرار دارد، گسترده بودن میزان ضایعات و استهلاک سرمایه بیانگر کم توسعه یافتگی اقتصاد بازار بوده است. اصل صرفه جویی و انضباط اقتصادی مقوله‌ای تنها اخلاقی نیست بلکه مقوله ایست به شکل غالب اقتصادی که هر چه اقتصاد بازار شکل یافته‌تر باشد اصل صرفه جویی با استفاده بهینه از عوامل تولید بهتر عمل می‌کند و به عکس هر چه بازار کم توسعه یافته‌تر باشد صرفه جویی و انضباط اقتصادی بیشتر شکل اخلاقی به خود می‌گیرد. تا زمانی که ما به کالاهای و خدمات به شکل صرف مصرفی نگاه می‌کنیم طبیعی خواهد بود که هزینه تولید نقشی در هزینه مصرف نخواهد داشت. بنابراین گسترده بودن میزان ضایعات و بالا بودن هزینه استهلاک با توجه به این که محصولات هنوز شکل مبادله‌ای و رقابتی را کاملاً حاصل ننموده، حساسیت لازم را در بخش خصوصی و بخش عمومی ایجاد نمی‌نماید و نسبت به این امر در بخش عمومی به مراتب کمتر حساسیت نشان داده می‌شود.

طرح، کاهش سرمایه‌گذاری کل را در درجه اول معلول کاهش سرمایه‌گذاری بخش دولتی و در نهایت نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و علت کاهش سرمایه‌گذاری این دو بخش را ناشی از نارسایی‌های ساختاری و سیاستی می‌داند. طرح به درستی در ارزیابی نظام سرمایه‌گذاری در اقتصاد ملی (۱) این اصل اساسی که پویایی سرمایه‌گذاری عامل توسعه اقتصادی می‌باشد مورد توجه قرار داده و کم پویایی سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور را تبلوری از نارسایی‌های ساختاری و سیاستی ارزیابی می‌نماید. اما طرح بدین مساله اساسی اشاره دارد که آیا دخالت دولت در امر تخصیص منابع خود زائیده نارسایی‌های ساختاری اقتصاد کشور می‌باشد و یا وجود ساختار

که یکی از موانع و مشکلات پایین بودن بازدهی بخش عمومی می‌باشد. اما پایین بودن بازدهی منحصر به بخش عمومی نمی‌باشد. بلکه بازدهی سرمایه بخش خصوصی در بخش‌های تولیدی نیز از سطح نازلی برخوردار است.

یکی از عناصر، تغییر وابستگی بخش‌های تولید به درآمد حاصله از فروش نفت خام است که خود یکی از عوامل موثر در بزرگ بودن دولت و افزایش نقش دخالت‌گر آن در توزیع، مصرف و پس انداز به اضافه عوامل ساختار مالکیت در ایران می‌باشد که در طرح به عنوان راه کار تغییر مالکیت به درستی به عنوان مالکیت فراگیر مطرح گردیده است اما این تغییر در ساختار مالکیت بدون ارتباط با تغییر ساختار تولید که عامل اساسی در تغییر بازدهی تولید می‌باشد امکان‌پذیر نمی‌گردد. تغییر در ساختار تولید و ساختار مالکیت می‌بایستی همراه با تغییر در ساختار سیاسی و فرهنگی باشد. اگر پایین بودن بازدهی سرمایه را نمودی از کم توسعه یافتگی ساختار تولید بدانیم طبعاً عوامل پنجگانه اشاره در طرح به عنوان عوامل موثر در پایین بودن میزان انباشت سرمایه در هر دو بخش کارگزار سرمایه‌گذاری یعنی بخش عمومی و بخش خصوصی قابل رویت می‌باشد. طرح عوامل پنجگانه زیر را علت اساسی پایین بودن میزان انباشت سرمایه ارزیابی نموده است.

- ۱- گسترده بودن میزان ضایعات و استهلاک سرمایه در اقتصاد
- ۲- پایین بودن بازدهی سرمایه‌گذاری
- ۳- خروج سرمایه‌گذاری از شبکه رسمی به شبکه زیرزمینی
- ۴- کم اثر بودن عواملی که سبب افزایش سرمایه انباشت شده می‌گردد.
- ۵- رشد زیاد از حد جمعیت

اگر این اصل اساسی را بپذیریم که هدف از برنامه‌ریزی کلان اقتصادی یا برنامه ریزی توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ایجاد فضای مناسب جهت بهره‌مندی احاد جامعه از فرصت‌های سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و سرمایه مالی می‌باشد، طبعاً رسیدن به چنین هدفی که خواسته‌ای به جز برقراری عدالت اجتماعی نیست نیاز به استفاده از ابزاری می‌باشد که در این طرح مالکیت فراگیر به عنوان ابزار لازم مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

اگر عدالت اجتماعی به مفهوم گسترده‌تر و جامع مورد نظر قرار گیرد، می‌توان فقرزدایی، توزیع بهینه درآمد و منابع و همچنین رفاه اجتماعی را در قالب عدالت اجتماعی تعریف کرد. طبعاً دستیابی به عدالت اجتماعی به این مفهوم به عنوان آرمان منشور توسعه اقتصادی مورد نظر قرار می‌گیرد و مالکیت فراگیر می‌تواند به عنوان یکی از پیش شرط‌های راهبردهای توسعه اقتصادی باشد. عدالت اجتماعی معلول رشد و توسعه پایدار و فراگیر است و تحقق رشد و توسعه پایدار و فراگیر منوط به به کارگیری راهبردهای توسعه اقتصادی می‌باشد که این راهبردها بر پایه تحلیل از علل و موانع انباشت سرمایه و استفاده از تجارب حاصله در سایر کشورها و مبانی علمی مشخص می‌گردد. از این نظر طرح به درستی در آغاز به چگونگی روند انباشت سرمایه در کشور پرداخته و جایگاه بخش عمومی (دولت) و بخش خصوصی (بازار) را در روند انباشت سرمایه مورد تحلیل قرار داده است. پایین بودن سهم سرمایه ثابت در تولید ناخالص داخلی و کاهش سرمایه‌گذاری ناخالص نسبت به محصول ناخالص ملی در طی سال‌های ۷۵-۶۰ بیانگر این واقعیت است که انباشت سرمایه در مسیر مطلوب خود قرار ندارد و موانع و مشکلاتی بر سر راه انباشت سرمایه قرار دارد

مختلط (بازار و دولت) زمینه را جهت کم پویایی سرمایه گذاری و یا پایین بودن نرخ انباشت سرمایه فراهم آورده است؟ اگر نارسایی ساختاری را علت و دخالت دولت در امر اقتصاد را معلول این علت بدانیم، طبیعی خواهد بود که وجود اقتصاد مختلط در دوره گذار از یک اقتصاد کم توسعه یافته به یک اقتصاد توسعه یافته نه تنها عامل کندی و پایین بودن میزان انباشت سرمایه نخواهد بود، بلکه به عنوان یک عامل اساسی جهت انباشت سرمایه زمینه ساز یک اقتصاد بازار می باشد. آنچه که به عنوان عامل تسریع این روند یعنی گذار از یک اقتصاد مختلط به یک اقتصاد بازار و ایجاد زمینه برای انباشت سرمایه در چنین نظامی فراهم می سازد عنصر سیاستی و یا سیاست های دخالت گرانه دولت است و این سیاست ها در برنامه ریزی توسعه اقتصادی به عنوان ابزار دخالت دولت در اقتصاد دیده می شود. آنچه اساس است

سیاست های فقر زدایی می تواند خود عامل بروز شرایط جدیدی گردد، که منجر به گسترش فقر بیشتر می شود. به طور مثال شکل گیری اقتصاد زیر زمینی در ایران خود ناشی از راهبردهای توسعه اقتصادی بر پایه الگوهای رشد گرا بوده اما در حال حاضر این پدیده خود علت جدیدی جهت عدم استفاده بهینه از منابع تولید گردیده است. طرح به درستی این مساله را مطرح می کند، که بخش زیرزمینی به طور کلی از نارسایی ها و ناکارایی های بازار رسمی کشور تغذیه می کند (۴) اما نارسایی و عدم کارایی بازار رسمی خود ناشی از کم توسعه یافتگی بازار و عدم عملکرد مکانیسم آن و به طور کلی کم توسعه یافتگی ساختار اقتصادی می باشد. و شکل گیری بخش زیر زمینی ناشی از به کارگیری راهبردهای توسعه اقتصادی می باشد، که در راستای بازسازی بازار رسمی بوده، اما در عمل به کارگیری راهبردهای الگوهای رشد گرانه

برخوردار بوده و نه به صورت فراگیر و همه جانبه توانسته است عمل نماید. اما نتایج این عملکرد به صورت عدم تخصیص بهینه منابع تولید، توزیع نابرابر درآمدها، شکاف درآمد بین شهر و روستا، افزایش هزینه تولید و تولید متکی به حمایت های دایمی دولت در جامعه دیده می شود.

اگر این اصل اساسی را بپذیریم که فرآیند تغییر ساختار عرضه و تقاضا یک فرآیند بلند مدت می باشد و طبیعی خواهد بود که طرح تغییر ساختار مالکیت به عنوان یک پیش شرط اساسی تغییر ساختار تقاضا می باشد. و همان گونه که تغییر ساختار تولید پیش شرط انباشت سرمایه می باشد، تغییر ساختار تقاضا در دراز مدت منوط به تغییر ساختار مالکیت از مالکیت متمرکز به مالکیت فراگیر خواهد بود. از این نظر سیاست های حمایتی چه از بعد عرضه (اعتبارات ارز با نرخ توجیهی، معافیت مالیاتی و سوبسید به تولید کننده) و چه بعد از تقاضا (سهیمه بندی کالا، قیمت های نظارتی، سوبسید به مصرف کننده) به عنوان سیاست های کوتاه مدت و میان مدت حمایتی به منظور مقابله با نارسایی ها و عملکرد ناقص بازار در فرآیند توسعه اقتصادی می باشد. در این صورت همان گونه که حمایت از تولید کننده در دوران گذر مطرح می باشد، حمایت از مصرف کننده نیز امری موقتی خواهد بود. اما این سیاست های حمایتی کوتاه مدت زمانی می تواند به عنوان راه کارهای کوتاه مدت

مالکیت فراگیر می تواند به عنوان یکی از پیش شرط های راهبردی توسعه اقتصادی باشد.

دستیابی به انباشت سرمایه پویا در یک نظام اقتصاد بازار می باشد و این دستیابی مستلزم به کارگیری راهبردهای بازسازی ساختاری مالکیت، تولید، نهاد های سیاسی و اجتماعی و سیاست های متناسب با این راهبردها می باشد. بنابراین تغییر ساختار مالکیت می بایستی در غالب یک منشور (این منشور از بعد اقتصادی چیزی جز انباشت سرمایه پویا در نظام اقتصاد بازار نمی باشد) تعریف گردد. و در کنار دیگر راهبردهای بازسازی اقتصادی مطرح گردد.

تنها شرایط را برای اقتدار بازار رسمی فراهم ننموده است، بلکه زمینه جهت بخش اقتصاد زیر زمینی یا سایه ای فراهم ساخته که طبق برآورد بیش از ۳۰٪ ارزش افزوده کشور را تولید می کند. (۴) بدون این که در حساب های کلی کشور محاسبه گردد، و این بخش زیر زمینی رو به گسترش شرایط را جهت توزیع نامطلوبتر درآمدها فراهم ساخته است که خود به عنوان یکی از

طرح در رابطه با مشکلات فقر زدایی و آرایه طریق به منظور غلبه بر این مشکل فقر را بر پایه توسعه انسانی مورد ارزیابی قرار داده و معیارهای گسترش فقر را در بیست و چهار بند مشخص نموده است (۲) طرح کوشش نموده با توجه به معیارهای بیست و چهار گانه به طور کامل و روشن گستردگی فقر در ابعاد مختلف را به خوبی نشان دهد و تبلور کم توسعه یافتگی انسانی را بیان نماید. اما علل وجود این دایره فقر نه از بعد تاریخی در طرح مشخص گشته و نه با توجه به الگوهای به کار گرفته شده برای فقرگریزی و عدم توفیق این راهبردها در فقر زدایی سخنی به میان آمده است. مقابله گسترش فقر و گریز از فقر (۳) یک رابطه علت و معلول است. بنابراین اگر علت فقر (نه معیارهای گسترش فقر) مشخص نگردد، واکنش نسبت به گسترش فقر به صورت برنامه ریزی

تغییر در ساختار تولید و ساختار مالکیت می بایستی همراه با تغییر در ساختار سیاسی و فرهنگی باشد.

مطرح باشد، و راهبردهای بلند مدت را جانشین ننماید که پیامد راهبردهای توسعه اقتصادی در بلند مدت بتواند زمینه را جهت دستیابی به شاخص های زیر فراهم گردد.

- ۱- نرخ بالای پس انداز و سرمایه گذاری
- ۲- توسعه سرمایه انسانی
- ۳- رشد اقتصادی فراگیر و پایدار
- ۴- کاهش فقر و تعدیل شکاف درآمدی بین گروه های مختلف جامعه
- ۵- رشد مطلوب در بخش کشاورزی
- ۶- تغییر ساختار صادرات و رشد سریع صادرات متناسب با رشد واردات
- ۷- تغییر ساختار واردات
- ۸- رشد سریع بهره وری با استفاده از ظرفیت های

شاخص های اصلی افزایش فقر مطرح می باشد. کم پویایی ساختار اقتصاد ملی از نظر تاریخی شرایط را برای کم توسعه یافتگی ابزار در اقتصاد ملی امروز فراهم ساخته و این کم توسعه یافتگی بازار یعنی عرضه و تقاضا به صورت سطح نازل بهره وری تولید و پایین بودن سطح درآمد و پس انداز و سرمایه گذاری و اشتغال به شکل ناقص تبلور یافته است که طرح با دقت و شفافیت بالا نمود این شرایط را در بیست و پنج ساله گذشته به شکل نمودار و جداول نشان داده است. راهبردهای توسعه اقتصادی به کار گرفته شده طی این بیست و پنج سال به منظور بازسازی اقتصادی زمینه را جهت رشد فرآیندهای اقتصادی فراهم ساخته، اما این افزایش نه از تداوم لازم

اگر عدالت اجتماعی به مفهوم گسترده‌تر و جامع مورد نظر قرار گیرد، می‌توان فقرزدایی، توزیع بهینه درآمد و منابع و همچنین رفاه اجتماعی را در قالب عدالت اجتماعی تعریف کرد.

می‌تواند به عنوان طرحی مورد نظر قرار گیرد که در قالب سیاست‌های کلان بازسازی اقتصادی کشور شرایط لازم جهت تعدیل مالکیت بخش عمومی به نفع بخش خصوصی را فراهم ساخته و در محدوده راهبردهای توسعه اقتصادی دراز مدت جهت رسیدن به آرمان‌های منشور توسعه اقتصادی یعنی رشد اقتصاد درونگرا با جهت‌گیری اقتصاد به سمت اقتصاد جهانی، که دست آورد چنین الگویی شاخص‌های کلان اقتصادی هشت گانه بیان گردیده است تحقق یابد.

پی نوشت:

- (۱) مراجعه کنید به صفحه ۲-۲۰ طرح
- (۲) رجوع کنید به صفحه ۳-۶ و ۳-۷ طرح
- (۳) رجوع کنید به طرح صفحه ۳-۵۰ تا ۵۱
- (۴) رجوع کنید به طرح صفحه ۳-۵۰ و ۳-۵۱
- (۱) مراجعه کنید به صفحه ۲-۲۰ طرح

اقتصادی خواهد بود. اگر طرح مالکیت فراگیر به عنوان طرحی در جهت ایجاد واگذاری‌ها یا مردمی کردن مالکیت مورد نظر قرار گیرد طبعاً می‌تواند به عنوان یک الگوی واگذاری مطرح شود. در صورتی که نکات مبهم آن تا حدی روشن گردیده و نقاط ضعف طرح ترمیم گردد. اما این طرح تنها نمی‌تواند به عنوان یک طرح جامع یا همان طوری که در طرح مطرح شد، ابزاری جهت رسیدن به توسعه اقتصادی همراه با توزیع معقول درآمدها و عدالت اجتماعی باشد. اگر این طرح به عنوان شیوه‌ای جهت واگذاری یا شیوه توزیع مالکیت‌ها به عنوان یکی از پیش شرط‌های راهبردهای توسعه اقتصادی با پیامدهای اشاره شده تعریف شود، بایستی در طرح مسایل زیر لحاظ گردد.

- ۱- عملکرد سیاست بازار سرمایه به موازات سیاست

بالتوجه دستیابی به این شاخص‌ها منوط به استفاده از راهبردهای توسعه اقتصادی خواهد بود که پیش شرط چنین راهبردی بر اساس عوامل زیر استوار گردیده است.

- ۱- اعمال مدیریت بر منابع اقتصادی در سطح کلان، عملکرد هوشمندانه دولت در تجهیز و تخصیص منابع داخلی و خارجی در جهت توسعه اقتصاد بازار (دولت به عنوان مکمل بازار در فرآیند توسعه)
- ۲- واگذاری مرحله به مرحله مالکیت‌های بخش عمومی اعم از واحدهای کوچک و بزرگ و انحصاری یا نگرش به مراحل توسعه و سطح توسعه یافتگی بخش خصوصی (بازار) در قالب برنامه ریزی جامع و بلند مدت واگذاری (واگذاری بنگاه‌های دولتی از بعد

بخش زیرزمینی به طور کلی از نارسایی‌ها و ناکارایی‌های بازار رسمی کشور تغذیه می‌کند

خواننده گرامی

خواهشمند است

پیشنهادها و نظریات

اصلاحی خود را درباره

مجله از طریق تلفن

دفتر مجله (۸۳۸۳۳۳)

یا تلفن روابط عمومی

(۸۳۸۳۲۷) اعلام

فرمایید.

واگذاری

- ۲- سیاست‌های بانک‌های تجاری در قبال واگذاری
- ۳- جلوگیری از تجمع مالکیت در واحدها بر اساس گسترش مالکیت همگانی در مقام مقایسه با مالکیت انحصاری بخش دولتی و مالکیت انحصاری بخش خصوصی
- ۴- بازسازی واحدهای مورد نظر طرح قبل از واگذاری
- ۵- شفاف نمودن چگونگی مشارکت خارجیان در امر سرمایه گذاری در واحدهای واگذاری
- ۶- چگونگی رفع موانع قانونی اعمال مالکیت بر واحدهای بزرگ یا به زبان دیگر چگونگی تغییر قانون اساسی و روشن نمودن راه کارهایی که بتواند مالکیت بر واحدهای بزرگ را امکانپذیر سازد بدون این که قانون اساسی موجود تغییر یابد.
- ۷- ایجاد فضای سیاسی و فرهنگی به موازات تحولات مرحله به مرحله سیاست همگانی نمودن مالکیت در کشور.
- ۸- بازسازی نهادها، ادغام نهادها و یا ایجاد نهاد یا سازمان‌های جدید مناسب با سیاست واگذاری.

با توجه به این پیشنهادات تکمیلی این طرح

مدیریتی، حقوقی و مالی).

- ۳- سرمایه گذاری در بخش تربیت انسانی مورد نیاز و افزایش بهره وری و کاهش هزینه‌های تولید به منظور دستیابی به تربیت نسبی
- ۴- سیاست زدایی اقتصاد و به کارگیری سیاست مناسب اقتصادی به جای سیاست‌های اقتصادی بر پایه مصلحت گرایی سیاسی یا به زبان دیگر افزایش کیفیت مداخله دولت در امر اقتصاد و کاهش کمیت مداخله.
- ۵- ایجاد زمینه جهت جهانی و منطقه‌ای شدن اقتصادی در دراز مدت بر اساس سیاست‌های مستقل اقتصادی و تقسیم کار با توجه به مزیت‌های بالقوه قابل تبدیل به مزیت‌های بالفعل.
- ۶- نهادینه شدن نهادها و سازمان‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با توجه به پیش شرط‌های اشاره شده در بالا. پیش شرط ایجاد مالکیت فراگیر یکی از پیش شرط‌های ششگانه موفقیت‌آمیز راهبردهای بازسازی اقتصادی می‌باشد که حاصل این راهبردها یا توجه به پیش شرط‌ها جهت مقابله با فقرزدایی یا گریز از نداری، گسترش عدالت اجتماعی و توسعه

سخن ماه

تأقیق پارزگانی

تولید، مقدم بر صادرات

امسال برای دومین سال پیاپی، روز صادرات برگزار شد. حضور ریاست جمهوری کشورمان در مراسم این روز و سخنرانی جامع ایشان، نشان از توجهی ویژه به صادرات داشت. توجهی که متناسفانه تاکنون در سطح خواست و آرزو باقی مانده و گاه نیز رویدادها، در جهت عکس آرزوها پیش رفته است. چهارسال پیش، صادرات غیرنفتی ما از مرز ۴ میلیارد دلار گذشت. در آن سال در عین حال قیمت متوسط نفت بشکهای ۱۸ دلار بود. در ابتدای سال جاری، با توجه به پاره‌ای اصلاحات که از بهمن ماه سال گذشته آغاز شده بود، پیش بینی می‌شد که صادرات سال جاری به حدود ۵ میلیارد دلار برسد که همان موقع، با توجه به واقعیت‌های مسلمی که با آن سروکار داریم، ما این رقم را دور از دسترس و خیال‌پردازانه دانستیم. آمار صادرات غیرنفتی شش ماه اول امسال سبب شد که مقامات مسوول در برآوردهای اولیه خود تجدید نظر کنند و صادرات

غیرنفتی امسال را حدود ۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار برآورد کنند.

در حالیکه انبارهای کارخانه‌ها لبریز از محصولات تولیدی است، گرانی هزینه تولید و تورم موجود در جامعه، بازار داخلی را با رکود مواجه ساخته و صادرات بسیاری از فرآورده‌ها را غیرقابل رقابت نموده است که برجسته‌ترین نمونه‌های این نوع از فرآورده‌ها، انواع منسوجات و محصولات پتروشیمی است. اخیراً مدیرکل صنایع پتروشیمی و سلولزی وزارت صنایع گفته بود، که هزینه تولید برخی از محصولات پتروشیمی بین ۵۰ درصد تا ۷۰ درصد گرانتر از قیمت بین‌المللی است. طبیعی است که با چنین قیمتی صادرات یا باید با ضرر هنگفت صورت گیرد، که عاقلانه نیست، یا باید متوقف شود، که چنین شده است. در چنین وضعی، صنایع نساجی مصرف‌کننده

الیاف مصنوعی (که از مواد پتروشیمی ساخته می‌شود) ملزم هستند که سهمی از مواد خام خود را یا قیمت گران از تولیدکنندگان داخلی خریداری کنند. این عامل، همراه با دیگر عوامل بازدارنده، بازار صادرات تولیدات صنعت نساجی را نیز متوقف ساخته است.

اگر به رشته‌های دیگر نیز دقیق شویم، عوامل بازدارنده بسیاری را در امر صادرات مشاهده می‌کنیم. نتیجه هم جز این نباید باشد که در حائیکه کشورهای کوچک جنوب شرقی آسیا در پی صادرات سالیانه ۱۰۰ میلیارد دلار هستند، ما با ۲/۹ میلیارد دلار صادرات سالانه، خود را امیدوار و دلخوش کنیم.

این گفته آقای شریعتمداری وزیر بازرگانی سخن تازه‌ای نیست که در روز صادرات از زبان ایشان شنیدیم که: بدون وجود تولید رقابتی، صحبت از صادرات غیرنفتی شعاری بیش نخواهد بود. بنابراین ساختار صنعتی کشور نیازمند تحول اساسی است. با